

نسبت متغیرهای شخصیتی و برون شخصیتی در نحوه ی عملکرد فرهنگی و سیاسی فرح پهلوی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۲

مجید صادقی نیارکی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۰

چکیده: یافتن پاسخ مسائلی چون: علل ازدواج محمدرضا پهلوی با فرح دیبا، شناسایی اقدامات و عملکردهای فرح پهلوی و مهم تر از آن پی بردن به عوامل شکل دهنده فعالیت های مشارالیها؛ از اصلی ترین مواردی هستند که می توانند سبب قضاوت صحیحی از نقش فرح در ایران دهه چهل و پنجاه باشند. با غور در زمانه فرح باید گفت متغیرهای درون و برون شخصیتی، دو رکن موثر در پاسخ دهی همه مسائل فوق الاشاره هستند که عملکردهای وی را به عنوان یکی از مجریان عرصه فرهنگ؛ و در مقطع دو ساله ی پایانی سلطنت به عنوان عاملی تاثیر گذار در امور سیاسی کشور، راهبری می کردند. در پژوهش حاضر که با شیوه کیفی تفسیری، به تحقیق پرداخته شد؛ یافته های تحقیق بدین شرح است: عملکرد فرح به دلیل عدم توجه به اصول و ماهیت اصلی منتج شده از فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی، همراستای دیگر فعالیت های عناصر پهلوی تعبیر، که در مواردی خصوصا در بعد فرهنگی، با ترویج فرهنگ سطحی و مبتذل ضربه ی مهلک تری را نسبت به سایر عوامل فرهنگی سلطنت، به فرهنگ این کشور وارد کرده است.

کلید واژه ها: فرح پهلوی، خصوصیات فردی و اعتقادی فرح، مولفه های سلطنت پهلوی، ارتباط و توجه بیگانگان به فرح پهلوی

^۱- دانش آموخته دکتری انقلاب و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه و طرح مسئله:

دوران نوزده ساله ی زندگی مشترک محمدرضا پهلوی و فرح دیبا را باید دوران تثبیت قدرت پهلوی دوم بدانیم. دورانی که وی اقدام به اجرای بندهای نوزده گانه «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و مردم» و در کنار آن برگزاری جشن های متعدد کرد. اصولاً مسئله انتخاب فرح به عنوان همسر سوم شاه پهلوی با چندین مورد مهم گره خورده، ابتدا تولد فرزند پسر که منتج به تاج گذاری محمدرضا و ولی عهدش و همچنین فرح پهلوی به عنوان نائب سلطنت شد و دیگری تاسیس و مدیریت موسسات فرهنگی، هنری که با اهداف خاص به وسیله مشارالیها صورت گرفت. مع الوصف مسئله ی مهم در نگارش این مقاله با سوالات و موضوعاتی از جمله علل و عوامل ازدواج محمدرضا با فرح دیبا، شناسایی اقدامات و عملکردهای فرح پهلوی و در آخر پی بردن به علل مهم در شکل دهی فعالیت های مشارالیها بر می گردد و قاعدتاً هدف پژوهش واکاوی این مسائل و پاسخ دهی به آن ها است. منتج از بیان مسئله و هدف پژوهش، فرضیه ی این مقاله عبارت اند از: متغیرهای درون شخصیتی و برون شخصیتی، به عنوان دو رکن موثر در شکل دهی فعالیت های فرح پهلوی بودند که عملکردهای وی را به عنوان یکی از مجریان عرصه فرهنگ و در مقطع دو ساله ی پایانی سلطنت پهلوی به عنوان امری تاثیر گذار در امور سیاسی کشور، طرح ریزی و راهبری می کردند.

ضرورت تحقیق:

با عنایت به اینکه برخی از رجال، متفکران و مورخان چه در گذشته و چه در حال حاضر در تلاش بوده اند مولفه های غربگرایی را در این کشور از دوره مشروطه و پس از آن در دوران پهلوی و نهایتاً تا به امروز نهادینه کنند. به همین دلیل مطالعه ی نقش این افراد، اهداف آنها و عوامل اثرگذار در پذیرش این فرهنگ بیگانه مهم جلوه گر است. از این رو به نظر می رسد فعالیت های فرهنگی - اجتماعی و بعضاً سیاسی فرح پهلوی در قالب تاسیس موسسات متعدد در دو دهه ی پایانی سلطنت پهلوی دارای چنین رویکردی بوده؛ تا جایی که بسیاری از تحلیل گران جامعه شناسی سیاسی معتقدند یکی از دلایل اساسی انقلاب اسلامی؛ گرایش حکومت پهلوی و از جمله فرح پهلوی به مولفه های فرهنگ غربی و باستان گرایی متناقض است. زیرا آنها در صدد بودند بخشی از هویت فرهنگی تاریخی ایران را نادیده بگیرند (پس لرزه های فکری این جریان تا به امروز در جامعه دیده می شود). از این رو به نظر می رسد پژوهش با موضوعیت «نسبت متغیرهای شخصیتی و برون شخصیتی در نحوه ی عملکرد فرهنگی و سیاسی فرح پهلوی» می تواند چراغ راهی با عبرت از گذشته، برای ساختن جامعه، بر اساس مولفه های اصیل تمدن ایرانی اسلامی باشد.

روش تحقیق:

هر تحقیق تلاشی سیستماتیک و روشمند به منظور دست یافتن به یک پرسش یا راه حلی برای یک مسئله است. انتخاب روش بستگی به اهداف، ماهیت پژوهش و امکانات اجرایی دارد. روش این پژوهش، روش کیفی تفسیری است. در این روش به جست و جو، جمع آوری و سازماندهی اطلاعات، ارزیابی و بررسی صحت و سقم اطلاعات و تحلیل و تفسیر اطلاعات با دلایل مستدل مبتنی بر شواهد و مدارک متقن، که منتج به دفاع از فرضیه تحقیق شود؛ پرداخته شده است.

مع الوصف با توجه به روش مورد نظر این پژوهش، برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز؛ از شیوهی کتابخانه‌ای - اسنادی استفاده شده است.

پیشینه تحقیق:

در مورد فرح پهلوی به جز چند جلد کتاب مانند «کهن دیارا» که به قلم خود مشارالیها است و دیگری کتاب «علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران از آبان ۲۵۱۸ تا مهر ۲۵۳۵» که حاوی مجموعه سخنرانی های فرح است و همچنین کتاب «دخترم فرح» که منسوب به فریده دیبا است و کتاب سه جلدی مجموعه اسناد با عنوان «زنان دربار به روایت اسناد ساواک (فرح پهلوی)» و ایضا دو پایان نامه کارشناسی ارشد و یک رساله دکتری (نویسنده مقاله)، کتاب و پژوهشی وجود ندارد که موضوع آن تمامه در مورد فرح پهلوی باشد. گرچه که بر هر یک از این نوشته ها بر اساس عواملی مانند: نگارش جانبدارانه، حب و بغض ها، عدم انسجام مطالب و همچنین عدم بررسی و مطالعه دقیق فعالیت های مشارالیها؛ نقد وارد است.

در کنار کتب و پژوهش های اشاره شده، مجموعه ای از کتب هستند که علاوه بر ضعف های بر شمرده شده، در قسمتی از نوشته های خود؛ به صورت گذرا به مطالبی در مورد فرح، مسائل خانوادگی وی و بعضا در مورد فعالیت های فرهنگی و سیاسی مشارالیها اشاراتی داشته اند. تعدادی از این کتب عبارتند از: «خاطرات علم» اسداله علم، «ظهور و سقوط پهلوی» حسین فردوست، «حکمت و سیاست گفتگو با دکتر سید حسین نصر» حسین دهباشی، «خاطرات اردشیر زاهدی»، «از کاخ شاه تا زندان اوین» احسان نراقی، «خاطرات دو سفیر: ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز»، «پدر و پسر ناگفته‌ها از زندگی و روزگار پهلوی‌ها» و «از طاووس تا فرح جای پای زن در مسیر تاریخ معاصر ایران» محمود طلوعی، «آخرین سفر شاه سرنوشت یک متحد امریکا» ویلیام شوکراس، «شکست شاهانه (روانشناسی شخصیت شاه)» ماروین زونیس، «پس از سقوط سرگذشت خاندان پهلوی در دوران آوارگی» احمدعلی مسعود انصاری، «پشت پرده تخت طاووس» مینو صمیمی، «محافظ شاه» علی شهبازی، «خدمتگزار تخت طاووس» پرویز راجی، «سقوط شاه» فریدون هویدا، «خاطرات تاج الملوک آیرملو»، «اسناد لانه جاسوسی آمریکا: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (دوره یازده جلدی)»...

مع الوصف در پژوهش حاضر تلاش شد با بررسی کتب و اسناد برجای مانده از آن دوران؛ با نگاهی مستقل به مطالعه ی شخصیت مورد پژوهش از زاویه دیدی جدید با موضوعیت شناسایی عوامل درون شخصیتی و برون شخصیتی موثر در اقدامات

فرهنگی و سیاسی فرح پهلوی اقدام شود. که به نظر می رسد در تبیین این عوامل، خصوصا به دلیل عدم سابقه در مورد پژوهش حاضر، مقاله ی در خور توجهی باشد. مسلما طبقه بندی اسناد گاهها این تحقیق را دچار خلل هایی کرد. انتظار است این پژوهش مدخلی برای آشنایی و ارزیابی علل اقدامات فرح پهلوی بوده باشد.

۱- متغیرهای شخصیتی و برون شخصیتی در نحوه ی عملکرد فرهنگی و سیاسی فرح پهلوی

بدون شک عاملی که سبب شد دختری جوان به نام فرح، فرزند سهراب دیبا و فریده قطبی، بر سر زبان ها بیفتد و بعدها دارای نقش هایی در سلطنت پهلوی شود ازدواج با محمدرضا پهلوی بود. محمدرضا هنگام ازدواج با فرح مردی چهل ساله و فرح دختری بیست و یک ساله بود. قاعدتا باید گفت ازدواج آن دو وصلتی از نوع عاشقانه نبود (دیبا، ۱۳۸۰: ۶۲). اولاً شاه زنی می خواست که در عین زیبایی و ظرافت (فرح دارای زیبایی کمتری در قیاس با دیگر همسران محمدرضا بود)، ولیعهدی برای او به دنیا آورد و در ثانی با سرپرستی دفتر شهبانو به امور عام المنفعه اقدام نماید. از سویی؛ فرح دیبا نیز با این تصور که با این ازدواج، دارای موقعیتی وصف ناپذیر می شود به دلیل اقنای حس جاه طلبی با طیب خاطر به همسری شاه درآمد (طلوعی، ۱۳۷۳: ۳۶۹).

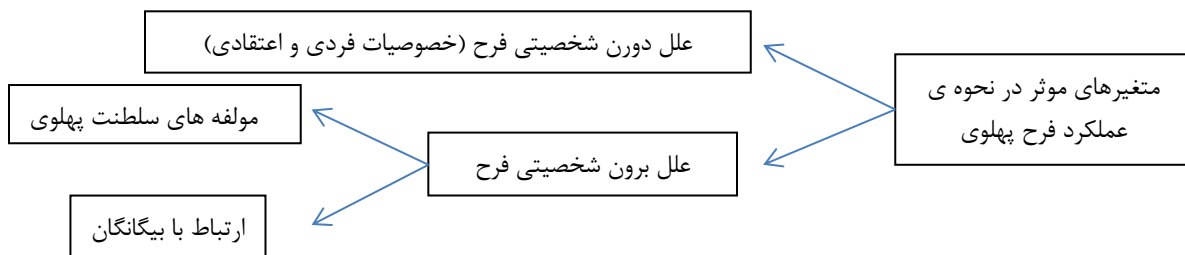
با بررسی زندگی پیش از ازدواج فرح دیبا، چند نکته انعقاد این پیوند را با ابهاماتی روبرو می کند:

- متناسب نبودن طبقه اجتماعی دو خانواده (آیرملو، ۱۳۹۱: ۱۰۵؛ مرکز بررسی اسنادتاریخی، ۱۳۸۷: ۱/۳).

- خویشاوندی با دکتر مصدق و گرایشات مصدقی خاندان دیبا (زاهدی، ۱۳۹۳: ۷۶/۲).

- گرایشات چپ (سوسیالیستی) فرح (طلوعی، ۱۳۷۳: ۳۷۰).

باید پذیرفت در نگاه اول اینها همه جمع ضدین در مقابل افکار محمدرضا پهلوی است. سوال اینجا است پس چرا این ازدواج صورت پذیرفت و او (فرح) به چنان جایگاهی (نائب السلطنه ای) در کنار همسری محمدرضا رسید؟ در ذیل سعی خواهیم کرد در خلال تحقیق به آن پاسخ دهیم.



۱-۱- علل دوران شخصیتی فرح (خصوصیات فردی و اعتقادی)

اگر بخواهیم زندگی و زمانه فرح دیبا (پس از ازدواج با محمدرضا نام فامیل خود را به پهلوی تغییر داد) را مورد بحث قرار دهیم می باید دوران عمر وی را به چند بخش تقسیم و بنا بر ضرورت؛ به چند بخش خاص اشاره کنیم:

الف. بین سال‌های ۱۳۱۷ لغایت ۱۳۳۸ ه.ش: دوران تولد تا ازدواج.

ب. بین سال‌های ۱۳۳۸ ه.ش لغایت ۴۵-۱۳۴۴ ه.ش: ازدواج، دوران بچه داری و تربیت فرزند.

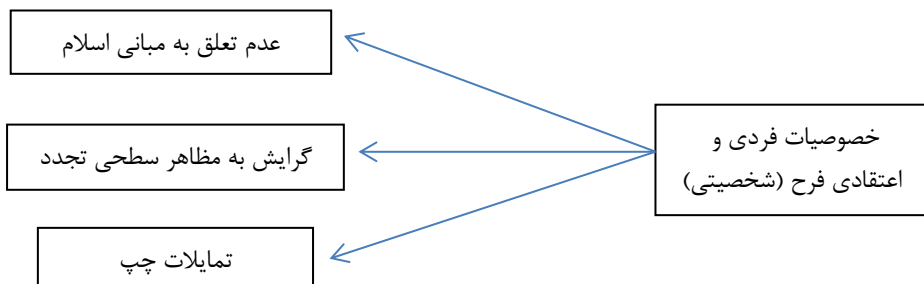
ج. بین سال‌های ۱۳۴۵ لغایت ۱۳۵۵ ه.ش: دوران تمرکز در امور فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و هنری همراه با فعالیت‌های زیر پوستی سیاسی.

د. بین سال‌های ۱۳۵۵ لغایت ۱۳۵۷ ه.ش: ورود مستقیم به عرصه سیاست.

ه. بین سال‌های ۱۳۵۷ لغایت ۱۳۶۷ ه.ش: دوران فرار از کشور تا پایان جنگ تحمیلی به جمهوری اسلامی ایران با مولفه سودای بازگشت به قدرت و پشتیبانی از ضد انقلاب.

و. پس از ۱۳۷۰ ه.ش (مرگ بختیار): دوران مظلوم‌نمایی و تطهیرگرایی.

مع الوصف با دقت نظر در نوع پرورش فرح دیبا، چندین عامل در سمت و سو گرفتن فکری وی برجستگی داشته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به: عدم تعلق به مبانی اسلام، گرایش به مظاهر سطحی تجدد و تمایلات چپ سوسیالیستی اشاره کرد.



۱-۱-۱- عدم تعلق به مبانی اسلام

با رصد نحوه‌ی تعاملات و شیوه زندگی خانوادگی فرح، می‌توان افعالی را در زندگی وی دید که نتیجه‌ای جز عدم تعلق به مبانی اسلام از آن نمی‌توان مستفاد کرد. نمونه‌ی بارز آن عبارت بود از: سهل‌گیری بیش از حد در مبانی اسلام مانند انجام فریضه‌های - واجبی چون: نماز، نوع پوشش (حجاب)، روابط با نامحرم (دیبا، ۲۰۰۳: ۵۵-۳۴).

از خصوصیات فوق حسین نصر با تعبیری چون: «ساختارش بی‌توجهی به اسلام» و «عدم گرایش دینی» (دهباشی، ۱۳۹۳: ۲۹۴) و - (۲۳۱-۲۳۰) یاد کرده است. یک نمونه شاذ تر آن که فرح در مصاحبه با «گلوبال باساتا» خبرنگار ایتالیایی خود اذعان می‌کند: «

فرائض دینی را انجام نمی‌دهم. هر روز نماز نمی‌خوانم و در ماه رمضان روزه نمی‌گیرم.» (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۷: -

(۲۹۰/۱).

به غیر از سهل‌گیری فریده دیبا با فرزندش، مجموعه عواملی در ایجاد این روحیه در فرح تاثیر داشتند:

- آموزش‌های مدارس محل تحصیل: مدارس اداره شونده به وسیله میسیونرهای مذهبی با سلسله اقداماتی روحیه و علاقه به مظاهر سطحی تجدد و گرایش دانش‌آموزان به ادیانی چون مسیحیت و یهودیت را ایجاد می‌کردند (شیخ رضایی، ۱۳۷۱: ۱۰۹-۱۰۵). این اقدامات عبارت بودند از: بی‌اعتنایی در زمینه‌های آموزش‌های مقدماتی اسلامی و ترویج زبان فارسی، مختلط بودن محیط آموزش، تفریح و سرگرمی خاص و اعزام به فرانسه در قالب عضو سازمان پیشاهنگی، تدریس موسیقی (دیبا، ۲۰۰۳: ۶۲-۵۱). باید گفت فرح که در مدارس چون: کودکستان ایتالیایی، مدرسه ژاندارک، دبیرستان رازی درس خوانده بود نیز از این قاعده مستثنی نبود.

- علاقه و انجام فعالیت‌های ورزشی چون: شنا (عمومی)، بسکتبال، دوچرخه سواری و دو میدانی. لازم به ذکر است این فعالیت‌ها برای دختران آن زمان که مسلزم عدم پوشش اسلامی (حجاب) بود، رایج نبود.

- تحصیل در فرانسه در سنین بسیار حساس جوانی (پایان دبیرستان) و تاثیرات منتج از آن (دیبا، ۲۰۰۳: ۶۵-۳۴).

بنا بر شرح فوق همگی این عوامل سبب گشت فرح دیبا «دختری بر اساس الگو و ارزش‌های اخلاقی غربی تربیت یابد؛ تا جایی که بتوان فرانسه را به عنوان میهن دوم وی متصور شد.» (شوکران، ۱۳۶۹: ۱۰۹).

۱-۱-۳- تمایلات چپ سوسیالیستی

به نظر می‌رسد نقل طلوعی که افکار و عقاید دوران دانشجویی فرح را در حد «تمایلات چپ سوسیالیستی» و نه بیشتر دانسته؛ قریب به صحت باشد (طلوعی، ۱۳۷۳: ۳۷۰ و ۳۵۳). به دلیل آن که میزان سن وی (پایان دبیرستان و آغاز تحصیل در دانشگاه)، علاقه او به خوشگذرانی و دیگری اقامت تحصیلی دوساله در پاریس، فرصت غور در این مکتب را به فرح نداد. به عبارت دیگر تعلق فرح به چپ‌ها، تعلق از سوی مبانی اعتقادی نبود.

فرح پس از ازدواج با نشان دادن مجموعه اقداماتی در قالب سیاست ذیل:

- داشتن انگیزه و پتانسیل جذب شدن در اندیشه چپ گرایانه و رفت و آمد در محافل چپ گرایانه (فردوست، ۱۳۷۰: ۱۳۷/۱-۲۱۱)

- مخالفت در قالب سخنرانی و خاطره نویسی با چپ‌گرایی (دیبا، ۲۰۰۳: ۷۲ و ۳۶-۳۵)

- استفاده از اعضای چپ گرا در اداره امور کشور (مسعود انصاری، ۱۳۸۵: ۱۷).

نقش کسی را بازی کرد که به دامن چپ پیوسته و با دیدن انحراف در این جریان فکری، از آن‌ها جدا شده و به یاری سلطنت - شتافته و از همین رو با انجام فعالیت‌هایی راه را برای بازگشت دیگران (خصوصاً روشنفکران) و استفاده از آن‌ها در موسسات تحت نظارت خود خصوصاً کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، بنیاد فرهنگ ایران و رادیو تلویزیون ملی ایران که مورد حمایت مستقیم فرح بود فراهم ساخته است.

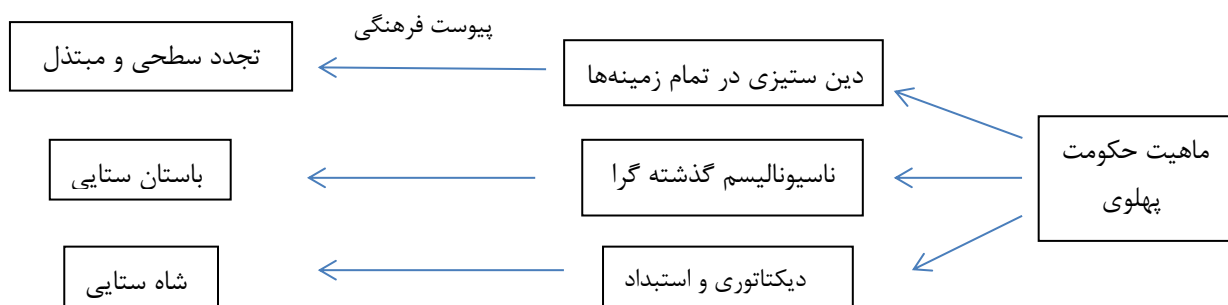
مع الوصف آن چه از مجموعه‌ی خصوصیات فردی و اعتقادی فرح برداشت می‌شود؛ چنین به نظر می‌رسد: فرح که ثمره‌ی سیاست‌های فرهنگی حاصل از پادشاهی رضاخان و پسرش محمدرضا بود. یعنی با آزادی کامل این راه را انتخاب کرده بود و دارای حجاب و عقاید مذهبی نبود و زبان خارجی می‌دانست و با موسیقی غربی آشنایی داشت و در غرب تحصیل کرده و دارای گرایش‌های روشنفکری و اجدادی ایرانی بود (دیبا، ۲۰۰۳: ۶۵-۳۴). اولاً برای فرزند آوری و ثانیاً برای ترمیم وجهه‌ی سلطنت، با اقدامات گوناگون و به اصطلاح خیر خواهانه، با هدف ترویج مظاهر سطحی تجدد (به دلیل دلبستگی و شیفتگی محمدرضا به غرب و بی بند و باری و گریز از اسلام)، انتخاب شد (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۷: ۴۷/۱).

۱-۲- عوامل موثر برون شخصیتی در شکل دهی عملکرد فرهنگی و سیاسی فرح پهلوی

صرف نظر از خصوصیات فردی و اعتقادی فرح و علل ازدواج وی با شاه ایران، که یقیناً نوعی هماهنگی بین دربار پهلوی و قدرت‌های بیگانه‌ی دارای نفوذ در ایران (آمریکا و در درجه‌ی پایین تر انگلستان) در جریان این وصلت دیده می‌شود که در خلال بحث به آن اشاره می‌کنیم. با بررسی نوع و کیفیت اقدامات انجام پذیرفته از سوی فرح پهلوی، به روشنی دو عامل تحقق مولفه‌های سلطنت پهلوی (بیشتر در بعد فرهنگی تا سیاسی) و ارتباط و جانبداری بیگانگان با مشارالیه‌ها را می‌توان علل اصلی اقدامات وی دانست.

۱-۲-۱- تحقق مولفه‌های سلطنت پهلوی

پس از کودتای ۱۲۹۹ ه.ش، و طی شدن دوره‌ای که موجب استحکام موقعیت رضا شاه شد. روشنفکران یا همان منورالفکران، که نمایندگان اندیشه‌های لیبرالیسم، سکولاریسم و تجدد بودند، موسس سلسله پهلوی را به ایجاد مبانی دولت مدرن و اصلاحات دیوانی و اداری (به منظور جلوگیری از نفوذ مذهب و روحانیت...)، با اصولی که از آن به ماهیت حکومت پهلوی یاد می‌شود، ترغیب کردند (نجفی و فقیه حقانی، ۱۳۹۱: ۴۸۶-۴۵۴). آن مولفه‌ها و پیوست‌های فرهنگی آن عبارت بودند از:



با تمرکز بر این مبانی، باید گفت آن چه قدر مطلق اصول فوق‌الاشاره است: اسلام، اندیشه‌ها و فرهنگ و تمدن نشأت گرفته از آن؛ موجب بدبختی، و از سویی تجدد به محوریت اندیشه‌های مبعث از حوزه‌ی فرهنگ، تفکر و تمدن غرب؛ عامل نجات بشریت است.

باید اشاره کرد پیوست‌های فرهنگی برآمده از مولفه‌های سلطنت در دوران پهلوی دوم، پس از سال‌های سخت اختناق رضاخانی، به منظور کسب مقبولیت خارجی و داخلی (در حقیقت سلب مشروعیت) پیگیری شد. با کنکاش در دوران محمدرضا پهلوی، به نظر می‌رسد چندین فرد و دستگاه، اجرایی کردن این پیوست‌های فرهنگی را راهبری می‌کردند:

- وزارتخانه‌های فرهنگ و هنر و وزارت اطلاعات: تمرکز این دو وزارتخانه بیشتر بر روی سیاست‌های سینمایی و هنرهای تجسمی و حوزه نشر اعم از کتاب و مطبوعات بود (صدری و اسماعیلی، ۱۳۹۱ الف: ۱/ص ۵؛ کشانی، ۱۳۸۶: ۳۲۸).

- وزارت دربار: این وزارتخانه در زمان اسداله علم؛ علاوه بر انجام وظایف محوله در امور سیاست‌های بین‌المللی و حوزه کنسرسیوم نفتی، به انجام وظایف اجتماعی و فرهنگی از جمله: امور دانشگاه‌ها و برگزاری جشن‌هایی که دارای بعد بین‌المللی و حوزه اجرایی وسیعی که نیازمند بود شخص با نفوذی چون وزیر دربار عهده‌داری آن را داشته باشد می‌پرداخت.

- اشرف پهلوی: وی در خلال سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۹ ه.ش که سال‌های اوج نفوذ سیاسی اش بود. در امور فرهنگی نیز دخالت، و عهده‌دار اداره موسسات و مراکزی چون: سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، سازمان زنان ایران و بنیاد خیریه اشرف بود (پهلوی، ۱۳۷۷: ۱۱۷؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱: ده، یازده و پانزده؛ بختیاری، ۱۳۸۴: ۶۴).

- فرح پهلوی: همسر سوم محمدرضا پهلوی حوزه‌ی فعالیت‌های خود را در مصاحبه‌های متعدد در زمینه‌های فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی و آموزشی معرفی می‌کند و معتقد است در این زمینه با محمدرضا تقسیم کار کرده است (مریخ‌بی‌تا: ۴۴۲ و ۲۳۵). لازم به توضیح است نقل قول‌های متعددی از خود محمدرضا پهلوی (سیف‌زاده، ۱۳۷۱: ۹۰)، حسین نصر (دهباشی، ۱۳۹۳: ۱۹۵) و ماروین زونیس (زونیس، ۱۳۷۰: ۱۱۵) در این مورد بیان شده؛ که آن‌ها نیز این ادعای فرح را تایید می‌کنند.

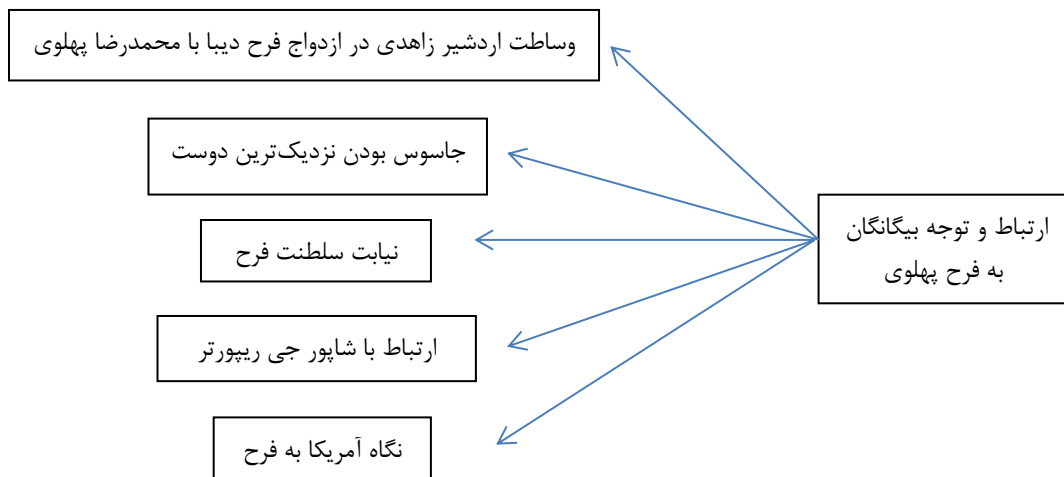
مع الوصف با وجود وزارتخانه‌ها و افراد ذی نفوذ فوق‌الاشاره، که هر کدام مدیریت و اجرای قسمتی از امور فرهنگی کشور را عهده‌دار بودند نمی‌توان فرح پهلوی را به عنوان عاملی مطلق و به عنوان تنها عامل سیاستگذار در بسط و گسترش پیوست‌های فرهنگی دوران پهلوی (دهه پنجاه ه.ش) به حساب آورد. به عبارت بهتر باید فرح را که با استفاده از جایگاه دفتر شهبانو و تاسیس بنیادی با نام خود به حیطة امور فرهنگی کشور وارد شده بود، جزئی از یک چرخه‌ی کلی؛ در فرآیند مهندسی پیوست‌های فرهنگی سلطنت پهلوی و مجری بخشی از امور فرهنگی دهه‌ی پنجاه بدانیم که در تعمیق و ترویج اصول سه‌گانه سلطنت پهلوی (دین ستیزی در تمام زمینه‌ها، ناسیونالیسم گذشته‌گرا و دیکتاتوری و استبداد) اقدامات متعددی را به انجام رسانید.

فرح با استفاده از پیوست های فرهنگی مبعث از همان اصول، اقدام به تاسیس مجموعه موسساتی در قالب تاثیرگذاری در حوزه ی فرهنگی یعنی: سینما، تئاتر، موسیقی، نشر، صنایع دستی و آثار هنری و باستانی با مدیریت موسساتی مانند: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان جشن هنر، مجموعه ای از موزه ها و نمایشگاه های هنری، بنیاد فرهنگ ایران، انجمن شاهنشاهی فلسفه... کرد و با اداره بنگاهها، جمعیتها و انجمنهایی مانند: جمعیت خیریه فرح پهلوی، بنگاه حمایت مادران و نوزادان، انجمن ملی حمایت کودکان... در حوزه بهداشتی، آموزشی و امور اجتماعی به ایفای نقش پرداخت.

نتیجتا باید گفت فرح و دیگر عوامل فرهنگی سلطنت در تلاش بودند ماهیت حکومت پهلوی را با پیوست های برآمده از همان اصول یعنی تجدد سطحی و مبتذل، باستان ستایی و شاه ستایی؛ جایگزین سه عامل به هم پیوسته ی معنوی آن روز ایران یعنی اعتقاد به ایدئولوژی اسلام، ملیت برآمده از اسلامیت و ایرانیت، علما به عنوان مقلدان حوزه دیانت؛ نمایند. اما در عمل نتوانستند ما به ازائی جز مدرنیسم مبتذل و تجدد ظلی و مقهور پیشرفت های ایزاری غربی شدن را به ارمغان آورند. باید افزود این تحلیل در خلال صورتجلسات سال پایانی بنیاد فرح در قالب نظراتی از ناموفق بودن کارنامه بنیاد به عللی چون: عدم شناخت صحیح تصمیم سازان فرهنگی با ارزش های فرهنگی این مرز و بوم، ورود مولفه های غربی و ناهمخوان به کشور، عدم تعادل وضع فرهنگی و پدیداری وضع بحرانی در کشور و تصمیم در تغییراتی به منظور جلوگیری از وقایع و واکنش های مردم، دیده می شود.

۱-۲-۲- ارتباط و توجه بیگانگان به فرح پهلوی

به نظر می رسد این توجه و ارتباط پیش از ازدواج با محمدرضا پهلوی برقرار بوده است. این نظر جای تعجب ندارد زیرا دو ازدواج قبل محمدرضا نیز دستخوش همین وساطت ها و دخالت های بیگانگان بوده که نشان از سطح نفوذ بیگانگان تا خصوصی ترین فعل پادشاه یک کشور است (فردوست، ۱۳۷۰: ۱ / ۱۹۵-۱۹۳، ۶۰؛ غفاری، ۱۳۷۶: ۶۶). در ذیل به مواردی اشاره می کنیم که نشان از توجه و ارتباط بیگانگان به فرح پهلوی دارد.



۱-۲-۲-۱- وساطت اردشیر زاهدی در ازدواج فرح دیبا با محمدرضا پهلوی

فرح دیبا که برای اخذ مساعدت مالی (بورس) از فرانسه به ایران مراجعت کرده بود (مریخ، بی تا: ۱۴۷؛ زاهدی، ۱۳۹۳: ۷۱/۲) - فردوست، ۱۳۷۰: ۲۱۱/۱) به وسیله یکی از عموزادگان پدرش، دکتر اسفندیار دیبا که دندانساز دربار نیز بود؛ به اردشیر زاهدی، داماد شاه و سرپرست دانشجویان خارج از کشور، معرفی شد. پیرو آن دیدار در حصارک، شمال تهران (زاهدی، ۱۳۹۳: ۷۱/۲-۷۰؛ همان، ۱۳۸۱: ۱۱۳)، ازدواج محمدرضا پهلوی با فرح دیبا صورت پذیرفت. آن ادعایی که نقل شده فرح به دلیل انجام فعالیت های مضره و عدم تمدید اسناد هویتی به اردشیر زاهدی مراجعه کرده (دیبا، ۱۳۸۰: ۳۲) به نظر درست نمی آید.

آن چه این ازدواج را حائز اهمیت تر نشان می دهد وساطت اردشیر زاهدی (دیبا، ۲۰۰۳: ۷۷؛ موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۹: ۵۴۷/۸) و از سویی ازدواج محمدرضا پهلوی با دختری ساده که دارای اختلاف طبقاتی زیادی با همسرش است می باشد. در نگاه اول اگر اردشیر زاهدی را یک دامادی بدانیم که پیرو یک نیت پسندیده، اقدام به وساطت ازدواج برای پدر همسر خود می کند. هیچ اشکالی وجود ندارد. در صورتی این نظر درست است؛ که سوابقی از اردشیر زاهدی نداشته باشیم.

اردشیر زاهدی، پسر سپهد فضل اله زاهدی مامور انگلیس ها (فردوست، ۱۳۷۰: ۱۷۶/۱) و نوه ی دختری مؤتمن الملک (رییس مجلس شورای ملی چهارم) است. اردشیر احتمالاً از سال های تحصیل در بیروت با «کرمیت روزولت» آشنایی یافت و با سرویس اطلاعاتی نوپای آمریکا در ارتباط بود. پس از بازگشت به ایران به استخدام وزارت کشاورزی در پست معاونت و خزانه داری «کمسیون مشترک ایران و آمریکا» یا همان «اصل ۴ ترومن»، که دارای فعالیت هایی سلطه جویانه در کشورهای آسیایی در تقابل با نفوذ کمونیست ها داشت، در آمد (همان: ۵۷، آبادیان، ۱۳۸۳: ۳۶۳) اردشیر در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه.ش با نام مستعار «مصطفی» و «ویسی» با «سیا» همکاری داشت (فردوست، ۱۳۷۰: ۱/۱۸۳). وی مشاغلی چون آجودان غیر نظامی شاه، سرپرستی دانشجویان خارجی، سفارت ایران در انگلیس، وزیر خارجه و دوبار سفارت ایران در آمریکا را دارا بود (همان: ۱/۲۵۰). از نظر شخصی رابطه ای نزدیک و صمیمانی با «جان اف کندی» داشت (زاهدی، ۱۳۹۳: ۲/۹۲). در زمان ریاست جمهوری «نیکسون» و «فورد» یک سفیر موفق بود (شوکران، ۱۳۶۹: ۱۲۴)، و با صرف پول های کلان نظر اعضای کنگره و مطبوعات را در دست داشت (همان: ۱۲۴). در ماه های پایانی سلطنت پهلوی و بازگشت به ایران یکی از رابط های اصلی میان دولت آمریکا، بویژه «زیگنیو برژینسکی»، مشاور امنیت ملی «کارتر» و شاه بود (زونیس، ۱۳۷۰: ۲۶۰). او به غیر از صرف پول بی حساب، از جیب مردم ایران در انتخابات های آمریکا، به طرفداری از کاندیداهای جمهوری خواه (فردوست، ۱۳۷۰: ۱/۵۷۲)، با خرید سهام هواپیمایی پان آمریکن مانع از ورشکستگی آن در سال ۱۳۵۴ ه.ش شد. او در اغلب قراردادهای اقتصادی نظامی مهم در سال های ۴۰ تا ۵۶ ه.ش بین آمریکا

و ایران به نوعی دخالت و وساطت داشت (زاهدی، ۱۳۸۱: ۷). با شرح فوق و دانستن اهمیت ماموریت های حساس اردشیر زاهدی، بیراه نیست مجری گری و وساطت او را برای ازدواج فرح دیبا و محمدرضا پهلوی، به دستور آمریکایی ها برای تحقق بیشتر اهدافشان در ایران، معتقد باشیم.

۱-۲-۲- جاسوس بودن نزدیکترین دوست

وجود اسناد متعدد، بیانگر ارتباطات مرموزی بین لیلی (جهان آرا) امیر ارجمند با افسران اطلاعاتی بلوک شرق دارد. بر طبق اسناد؛ ساواک گزارش این ارتباطات را به اطلاع محمدرضا پهلوی رسانیده و خواستار اجازه ی بهره گیری از لیلی امیر ارجمند به عنوان منبع خود می شود. برخلاف انتظار، محمدرضا پهلوی با پیشنهاد ساواک موافقت نکرد و ساواک نیز از سال ۱۳۵۲ ه.ش کنترل خود را بر روی وی قطع کرد.

آن چه از این اسناد مترتب است وجود فهم آگاهانه اطلاعاتی محمدرضا پهلوی و فرح از رابطه یکی از نزدیکان دربار پهلوی (که نه تنها یکی از مجریان موسسات مهم زیر مجموعه بنیاد شهبانو بوده بلکه وی به راحتی به منزل شاه نیز رفت و آمد داشته است) با اعضای کشورهای متعلق به بلوک شرق است. که از آن، جزء عامل بودن لیلی امیر ارجمند برای غرب، منتج نمی شود (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳: ۲۲-۱۹). که این مسئله جز با هماهنگی بودن محمدرضا و همسرش با سیستم های امنیتی بلوک غرب توجیه ناپذیر است.

آن چه ظن ما را بیشتر به هدف نزدیک می کند یکی از سفرهای لیلی امیر ارجمند به مسکو در جریان برگزاری فستیوال بین المللی فیلم مسکو است. او از دعوت کنندگان می خواهد مادر و همسر خود که استاد فیزیک اتمی دانشگاه تهران است را برای بازدید از تأسیسات اتمی و الکترونیکی و سایر مؤسساتی که برای او مفید به نظر می رسد همراه ببرد (همان: ۱۳۲).

۱-۲-۳- نیابت سلطنت فرح

پیرو ماجراهای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه.ش، و خروج محمدرضا پهلوی از کشور، تولد رضا پهلوی ۱۳۳۹ ه.ش و مهم تر از آن دومین سوء قصد به محمدرضا در ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ ه.ش، به نظر می رسد؛ وجود جانشین شاه و حفظ سلطنت از اهمیت ویژه ای برخوردار شده بود. علم می نویسد: «پس از ماجرای ۲۱ فروردین، اعلیحضرت به دنبال گفت و گو با جعفر شریف امامی، رئیس مجلس سنا، دستور داد لایحه ای که به موجب آن تا رسیدن ولیعهد به سن بلوغ (بیست سال تمام) نیابت سلطنت به شهبانو (فرح) تفویض شود (تدوین گردد)» (علم، ۱۳۷۲: ۹۱/۱).

منتج از این دستور و پیرو اصلاحات در قانون اساسی در پاییز ۱۳۴۶ ه.ش، محمدرضا پهلوی طی مراسم باشکوهی تاج گذاری کرد. فرح نیز که با تغییر اصل سی و هشتم قانون اساسی نایب السلطنه شده بود برای نخستین بار در تاریخ ایران پس از اسلام (به عنوان یک زن که به نیابت سلطنت می رسید) در این مراسم شرکت و شاه بر سر او نیز تاجی نهاد (علم، ۱۳۷۲: ۱۲۹/۱). از دیگر

اقدامات شاه در جهت تثبیت جایگاه فرح، می توان به نامه نگاری برای آماده سازی مشارالیها و ولیعهد به منظور مملکت داری (فردوست، ۱۳۷۰: ۵۶۴/۱) و وصیت سیاسی (همان، ۱۳۷۷: ب/۳ و ۲۵۶ و ۲۵۳) نام برد.

با مراجعه به خاطرات علم و دیگر مورخان به نظر می رسد محمدرضا پهلوی از این اقدامات رضایت نداشته (همان، ۱۱۸)، یا دست کم به اجبار پذیرفته است (منتج از طرح آمریکا در صورت حدوث واقعه ای خارج از پیشبینی، مانند ترور شاه) (شوکران، ۱۳۶۹: ۱۱۱، طلوعی؛ ۱۳۷۳: ۳۵۹؛ موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۹: ج: ۶/۶۸۹). که شاهد مثال آن کتمان زبانی قدرت و اختیارات فرح، علی رغم تفیض اختیارات قانونی به مشارالیها و در مواردی تحقیر وی در جمع به وسیله محمدرضا پهلوی است (علم، ۱۳۷۲: ۱/۱۲۹؛ همان، ۱۳۷۷: الف: ۲/۱۱۴).

به نظر می رسد عواملی مانند خوی استبدادی محمدرضا پهلوی، وجود رقیبی مانند اشرف و جدی گرفتن بیش از حد این اختیارات چه در جمع و چه در خلوت از سوی فرح، باعث عدم اجازت شاه به وی در نقش آفرینی در امور سیاست (تا دو سال پایانی سلطنت) و افزایش نارضایتی های محمدرضا شد (موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۹: ج: ۶/۶۸۹) که به قول علم پس از واگذاری این اختیارات، اختلافات این زن و شوهر علاوه بر مسائل خانوادگی بیشتر شده بود (علم، ۱۳۷۲: ۱/۱۱۸).

۱-۲-۲-۴- ارتباط با شاپور جی ریپورتر

«شاپور جی ریپورتر پس از ازدواج محمدرضا با فرح، معلم انگلیسی فرح شد» (زاهدی، ۱۳۹۳: ۲/ ۸۱) و «هفته ای ۳ بار در کاخ حاضر می شد و به او انگلیسی درس می داد و سپس معلم انگلیسی پسر فرح (رضا) شد در نتیجه انگلیسی فرح خیلی خوب شد و به احتمال، رابطه ی آنها تا انقلاب ادامه پیدا کرد» (فردوست، ۱۳۷۰: ۱/۲۹۵).

در نگاه اول داشتن معلم زبان امری عادی جلوه می کند اما اگر بدانیم شاپور جی ریپورتر کیست. در نوع این ارتباط و دانستن منافع و لایه های پنهان آن با تعمق نظر به موضوع نگاه خواهیم کرد.

شاپور جی ریپورتر به سال ۱۹۲۰م در تهران به دنیا آمد. پدرش اردشیر از فرستادگان انجمن اکابر پارسیان هند بود و ظاهراً برای تمثیت امور زرتشتیان وارد ایران شد. وی از بنیانگذاران فراماسونری در ایران بود و همان کسی است که رضاخان را پیدا کرد (همان: ۲۹۳؛ آبادیان، ۱۳۸۳: ۳۱-۲۹). وی به عنوان نخستین سفیر اکرودیته هند به سوی ایران رهسپار شد (همان: ۳۲-۳۱؛ موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره: ۱-۳۲-۱۲۹-الف). مشارالیه رفتار خودمانی با ملکه انگلیس داشت و در جلسات سالانه محمدرضا با رئیس کل MI۶، در سوئیس حضور داشت (فردوست، ۱۳۷۰: ۱/۲۹۶). او نقش بسیار مهمی در ساماندهی کودتای مشترک سیا و اینتلجنت سرویس در کودتای ۲۸ مرداد داشت و (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۱۰۷-۳-۱۲۹-الف). به پاس خدماتش، پست دائمی عضویت در وزارت امور خارجه امریکا و شهروندی ایالات متحده به وی داده شد (آبادیان، ۱۳۸۳: ۳۳).

شاپور به واسطه روابط با روزنامه نگاران، سیاستمداران و مقامات رده‌های بالای نظامی، بر وقایع و تحولات عمومی ایران اشراف اطلاعاتی داشت (آبادیان، ۱۳۸۳: ۳۸). در حقیقت شاپور حلقه اتصال سیاست‌های بخشی از محافل حاکمه آمریکا و انگلیس در ایران بود (همان: ۵۳).

وی که ۴۰ سال در ایران اقامت داشت علاوه بر امور سیاسی که نفوذ بسیار مهمی در محمدرضا کسب کرده بود. آنقدر در امور تجارت اسلحه با انگلیسی‌ها و همکاری در امور صنعتی با شرکت‌های فراملیتی (همان: ۶۳-۵۱؛ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر- ایران، سند: ۱۲-۹۸-۱۲۹-الف)، به واسطه‌گری و اخذ رشوه غرق شده بود که دوست نزدیکش اسداله علم از او با عنوان سوء استفاده و حقه بازی یاد کرده است (علم، ۱۳۸۶: ۳۱۴/۶-۳۱۳).

با توجه به شرح فوق به نظر می‌رسد نزدیک شدن به ولیعهد و نایب‌السلطنه بخشی از نقشه این جاسوس کهنه کار در جذب و نفوذ بر آن‌ها، برای بهره‌برداری در موعد مقرر برای دول آمریکا و انگلستان، صورت می‌پذیرفته است که این امر حاکی از مهم بودن رابطه انگلیس و آمریکا با شاه و جانشین احتمالی‌اش دارد. از سویی دیگر با اشراف اطلاعاتی ساواک از موقعیت شاپور جی رپورتر به نظر نمی‌رسد این روابط تا این حد علنی؛ بدون هماهنگی و جز با موافقت شخص اول مملکت، که خود نیز وابسته مطلق به آنان بوده، صورت می‌گرفته است.

۵-۲-۱- نگاه آمریکا به فرح بر اساس اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا در ایران (لانه جاسوسی)

با بررسی اسناد مکشوفه از سفارت آمریکا در ایران، آن چه جلب توجه می‌کند نگاه سراسر خوشبینانه و امیدوارانه به فرح است تا جایی که از او به عنوان جانشین احتمالی محمدرضا پهلوی (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹ ج: ۶/۶۵۲؛ معتضد، ۱۳۸۸: ۴/۲۱۵۸)، تطهیر کننده چهره شاه به عنوان فردی خانواده دوست و رفاه طلب برای مردم (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹ ج: ۶/۶۸۰)، تعدیل کننده نظرات شاه، عامل قدرتمند شدن سلطنت و ترویج کننده نگاه مثبت اندیشانه مردم به رژیم (همان، ۱۳۸۹ الف: ۱/۲۷۶-۲۷۵)، پیروزی مند بر اشرف در صورت فوت شاه به علت پشتیبانی ارتش، نیروهای امنیتی و طرفداران مدرنیزه شدن (همان، ۱۳۸۹ الف: ۱/۲۷۸-۲۷۷) یاد شده است.

مع الوصف آن چه از قدر مطلق عوامل موثر برون شخصیتی در شکل دهی عملکرد فرح پهلوی خودنمایی می‌کند استفاده هدفمند و ابزاری دربار و بیگانگان از فرح پهلوی است. محمدرضا پهلوی به دلیل عادی سازی اوضاع ایران پس از اختناق رضا شاهی، در صدد برآمد تجدد گرایی در بعد صنعتی و فرهنگی را در کشور به اجرا درآورد. به نظر می‌رسد لازمه مدرنیزاسیون کردن فرهنگ، علاوه بر دستگاه‌های اجرایی، مستلزم وجود فردی از خود خاندان پهلوی نیز بود. از آن جا که در خانواده پهلوی به دلیل فساد اقتصادی و اخلاقی؛ شخص قابل اعتنایی برای واگذاری این امور یافت نمی‌شد (سولیوان و پارسونز، ۱۳۷۵: ۲۹۵؛ نراقی، ۱۳۸۲: ۲۴۱؛ علم، ۱۳۸۶: ۱۱۰/۶)، این مسئولیت در کنار فرزندآوری به فرح دیا که بنا بر خصوصیات فردی و اعتقادی اش آمادگی اجرایی

کردن سیاست پهلوی یعنی اصول برآمده از ماهیت سلطنت یعنی: تجدد سطحی و مبتذل، باستان ستایی و شاه ستایی را داشت؛ سپرده شد.

از سویی دیگر بیگانگان و در صدر آن آمریکای‌ها، به دلیل عدم اعتماد مردم جوامع تحت سلطه؛ از جمله: در آمریکای لاتین و آسیای باختری... که اصلاحات اقتصادی و اجتماعی ارائه شده از سوی آن‌ها را؛ تغییراتی در پس توطئه‌ی آن قدرت‌ها مفروض می‌دانستند. در تلاش برآمدند این تغییرات را که در حقیقت بقای آن‌ها در جوامع تحت سلطه را تضمین می‌کرد با تعریف مجددی که البته قربانی نیز با سنن و آرمان‌های بومی داشت را؛ به وسیله‌ی نخبگان جوان و جاه طلب سیاسی که در وفاداری آن‌ها به امریکا هیچ شکی وجود نداشت، تحقق بخشند (تضمین شده به وسیله سیا)؛ که در نهایت همسویی و وحدت نظر با الزامات زندگی دنیای صنعتی در جوامع سرمایه‌داری را، به عنوان فرضی قابل پذیرش، در مردم ایجاد کنند (آبادیان، ۱۳۸۳: ۲۶۸ و ۲۴۸). به نظر می‌رسد این هدف در ایران به وسیله سلسله اقداماتی که از سوی حزب ایران نوین و افرادی از جمله فرح پهلوی، با دو رویکرد فرهنگی و سیاسی سپرده شد.

مع الوصف وجه مشترک تمرکز بر روی فرح، بین محمدرضا پهلوی و بیگانگان، انجام امور فرهنگی مورد نظر دو طیف در ایران بود. فرح با سلسله اقداماتی متناظر، توانست رویکرد تجدد سطحی و مبتذل را در قالب فعالیت‌های مختلف از جمله در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان جشن هنر، موزه هنرهای معاصر، رادیو و تلویزیون ملی ایران... برآورده سازد. به نظر می‌رسد راهیابی فرح به عرصه سیاست، محل اختلاف نظر دو متحد قدیمی، محمدرضا پهلوی و بیگانگان، بود. از سویی محمدرضا پهلوی علی‌رغم واگذاری‌هایی که در امور سیاست به فرح کرد؛ به هیچ وجه اجازه فعالیت در آن زمینه‌ها را به فرح نداد. زیرا این دخالت‌ها با خوی استبدادی وی هیچ سازگاری نداشت و محمدرضا می‌پنداشت که فرح موضوع موثر بودنش را بیش از حد جدی گرفته است. از طرف دیگر بیگانگان آن‌طور که سیاستشان اقتضا می‌کند یعنی تا زمانی که اهدافشان مورد وصول قرار گیرد از حمایت عامل خود دریغ نمی‌کنند اما زمانی که این منافع کالای ذی‌قیمتی چون نفت و موقعیت استراتژیکی چون موقعیت ایران باشد برای جلوگیری و از دست دادن آن، از هیچ کوششی فرو گذاری نمی‌کنند؛ که حمایت از فرح در امور سیاسی، از آن جنبه‌ها بود. به دلیل آن‌که تئوریسین‌هایشان معتقد بودند بعد از شاه، چه به دلیل مرگ و یا حتی ترور، بهترین فردی که می‌تواند تا رسیدن ولیعهد به سن قانونی، ثبات سلطنت و اهداف آن‌ها را تامین و تا حد زیادی بین رجل سیاسی و نظامی دربار مقبولیت ایجاد کند فرح پهلوی است. از این رو علی‌رغم مخالفت و اختلاف نظر با محمد رضا، زمینه‌چینی انتصاب فرح به مقام نیابت سلطنتی و ماجرای وصیت سیاسی را طراحی، و برای اجرا به محمدرضا ابلاغ کردند.

با رصد تاریخ به نظر می‌رسد فرح پهلوی، علی‌رغم همه‌ی زمینه‌چینی‌ها تا زمان وخامت وضعیت جسمی و روحی محمدرضا یعنی دو سال پایانی سلطنت پهلوی نتوانست به صورت جدی به امور سیاسی وارد شود. باید گفت مجموعه‌ای از عوامل در قدرت‌یابی فرح موثر بودند که عبارت بودند از: اوج گرفتن بیماری محمدرضا و اطلاع فرح از این خبر مهم، اوج‌گیری تحرکات

انقلابی مخصوصا پس از کشتار ۱۷ شهریور و انزوای بیشتر محمدرضا، کاسته شدن حمایت های آمریکا و انگلستان از شاه، کسب تجربه در امور اجرای به وسیله فرح و تغییر چینش مهره ها در دربار خصوصا با حذف علم و به تبع آن قطع تحرکات علیه فرح (نراقی، ۱۳۸۲: ۱۳۱؛ طلوعی، ۱۳۷۳: ۳۸۳-۳۸۲؛ دهباشی، ۱۳۹۳: ۲۶۰؛ صمیمی، ۱۳۶۸: ۲۱۰) تا جایی که مسعود انصاری از این افزایش قدرت فرح و یارانش با عنوان «فعال مایشاء» نام می برد (مسعود انصاری، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

باید اشاره کرد در ماه های منجر به سقوط سلسله پهلوی، روند تحرکات چند بعدی فرح، حفظ و تحکیم سلطنت بوده به دلیل آن که بقای آن؛ منفعت وی را نیز تثبیت می کرده است. از آن جمله وی به اقداماتی مانند: مصاحبه و سخنرانی های متعدد با رویکرد تامین آزادی های اساسی مردم (علم، ۱۳۸۶: ۱۳۸۶/۶-۵۴۶-۵۴۵؛ طلوعی، ۱۳۷۳: ۳۸۴)، انجام سفرهای زیارتی در جهت آشتی با روحانیت مانند دیدار با آیت الله خویی که بدون آگاهی قبلی و بدون هیچ گونه هماهنگی با ایشان انجام پذیرفت (موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۹: ج ۳/۳۰۴ و ۳۰۲)، ارتباط مستمر با همسر رییس جمهور وقت آمریکا (کارتر) (فردوست، ۱۳۷۰: ۱/۵۹۱)، این ارتباط در قالب قرابت کارهای نیکوکاری خود با طرح حقوق بشر کارتر به این کار دست زد (نراقی، ۱۳۸۲: ۱۲۸)، دخالت در انتصاب نخست وزیران (طلوعی، ۱۳۷۳: ۳۸۹)،

از سوی دیگر فرح در ماه های آخر دست به اقداماتی زد که نشان دهد بودن یا نبودن محمدرضا باعث متلاشی شدن این سلسله که برآورده کننده اهداف غربیان بوده، نمی شود (در صورتی که تحقق عدم سقوط این سلسله امری بعید و سخت به نظر می رسید) به همین خاطر به تدریج به سلسله اقداماتی دست زد که بوی ساز مخالفت با محمدرضا می داد. مانند: مدیریت تنظیم نطق چهاردهم آبان محمدرضا پهلوی (زاهدی، ۱۳۸۱: ۸۷) و اجرای طرح کودتای خزنه در کشور بود (مسعود انصاری، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۳۶؛ شوکراس، ۱۳۶۹: ۱۰۸).

لازم به توضیح است مجموعه این اقدامات نشان از اصالت دادن و تکیه کردن بر قدرت استعمار (خصوصاً آمریکا) برای حفظ موقعیت خود برای تحکیم خواسته های آنها است. که در آن به نقش مردم و نصرت و وعده خداوند متعال در یاری رسانیدن مظلومان و مستضعفان هیچ توجهی نشده است. بنا بر این آن شد که می باید شد. انقلاب اسلامی ایران.

خصوصیات عدم تعلق به مبانی اسلام، گرایش به مظاهر سطحی تجدد و تمایلات چپ سوسیالیستی به عنوان عوامل درون شخصیتی فرح دیبا (پس از ازدواج فرح پهلوی) و عوامل برون شخصیتی چون: مولفه های سلطنت پهلوی و ارتباط با بیگانگان اولاً سبب ازدواج با محمدرضا پهلوی شد و در ثانی علل سلسله اقدامات فرهنگی و سیاسی به وسیله فرح شد. باید اشاره کرد در واگذاری امور فرهنگی به فرح (به عنوان جزئی از چرخه ی فرهنگی سلطنت) بین محمدرضا پهلوی و دول بیگانه نوعی اشتراک نظر وجود داشت و در واگذاری مسائل سیاسی به فرح، به دلیل خوی استبدادی محمدرضا و هم دول بیگانه برای تامین منافع سیاسی، اقتصادی و استراتژیکشان نوعی اختلاف نظر وجود داشت که نهایتاً نظر دول بیگانه بر نظر شاه ایران مستولی شد.

در مجموع باید عملکرد فرح پهلوی را به دلیل عدم توجه به اصول و ماهیت اصلی منتج شده از فرهنگ اصیل و غنی ایرانی-اسلامی و از سویی عدم دقت به مشکلات ریشه ای و اساسی مردم در بعد سیاسی، اقتصادی و معیشتی، همراهی دیگر فعالیت های عناصر پهلوی تعبیر کرد که در مواردی خصوصاً در بعد فرهنگی، با ترویج فرهنگ سطحی و مبتذل ضربه ی مهلک تری را نسبت به سایر عوامل فرهنگی سلطنت، به فرهنگ این کشور وارد کرده است.

در پژوهش حاضر تلاش شد با بررسی کتب و اسناد برجای مانده از آن دوران به نحوی به شناسایی عوامل درون شخصیتی و برون شخصیتی موثر در اقدامات فرهنگی و سیاسی فرح پهلوی اقدام شود. که به نظر می رسد در تبیین این عوامل خصوصاً به دلیل عدم سابقه در مورد پژوهش حاضر مقاله ی در خور توجهی باشد. مسلماً طبقه بندی اسناد گاهای این تحقیق را دچار خلل هایی کرد. انتظار است این پژوهش مدخلی برای آشنایی و ارزیابی علل اقدامات فرح پهلوی بوده باشد و پیشنهاد می شود محققین با استفاده از اسنادی که علی رغم تلاش در دسترس نویسنده قرار نگرفت یافته ها و نتایج مقاله حاضر را رد یا تصدیق نمایند.

الف: کتاب‌ها

- آبادیان، حسین. ۱۳۸۳. دو دهه واپسین حکومت پهلوی. چاپ اول. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- آیرملو، تاج الملکوک. ۱۳۹۱. *خاطرات تاج الملکوک*. در گفتگو با ملیحه خسروان، تورج انصاری، محمود علی باتمانقلیچ. چاپ اول. تهران: چاپ گلشن.
- پهلوی، اشرف. ۱۳۷۷. *چهره‌هایی در یک آئینه*. ترجمه‌ی هرمز عبداللهی. چاپ اول. تهران: نشر فروزان.
- دهباشی، حسین. ۱۳۹۳. *حکمت و سیاست مجموعه تاریخ شفاهی و تصویری ایران خاطرات دکتر حسین نصر*. چاپ اول. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- دیبا، فرح. ۲۰۰۳. *کهن دیارا (خاطرات فرح پهلوی)*. پاریس.
- دیبا، فریده. ۱۳۸۰. *دخترم فرح (خاطرات بانو فریده دیبا - مادر فرح پهلوی)*. ترجمه الهه رئیس فیروز. چاپ سوم. تهران: به آفرین.
- راجی، پرویز. ۱۳۸۲. *خدمتگزار تخت طاووس*. ترجمه ح.ا. مهران. چاپ یازدهم. تهران: موسسه اطلاعات.
- زاهدی، اردشیر. ۱۳۸۱. *رازهای ناگفته اردشیر زاهدی*. به کوشش پری اباصلتی و هوشنگ میرهاشم. چاپ دوم. تهران: به آفرین.
- ۱۳۹۳. *خاطرات اردشیر زاهدی*. ویراستار احمد احرار. جلد دوم. تهران: کتابسرا.
- زونیس، ماروین. ۱۳۷۰. *شکست شاهانه (روانشناسی شخصیت شاه)*. ترجمه عباس مخبر. چاپ اول. تهران: طرح نو.
- سولیوان، ویلیام؛ پارسونز، آنتونی. ۱۳۷۵. *خاطرات دوسغیر*. ترجمه محمود طلوعی. چاپ سوم. تهران: نشر علم.
- شوکراس ویلیام. ۱۳۶۹. *آخرین سفر شاه سرنوشت یک متحد امریکا*. عبدالرضا هوشنگ مهدوی. چاپ سوم. تهران: نشر البرز.
- شهبازی، علی. ۱۳۷۷. *محافظ شاه (خاطرات علی شهبازی)*. چاپ اول. تهران: انتشارات اهل قلم.
- صدری، بهنام. اسماعیلی، علیرضا. ۱۳۹۱. *الف. اسنادی از سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در دوره پهلوی دوم؛ صورت جلسات «کمیسیون بررسی مسائل روز»*. زیر نظر: شهریار مرادی دهقی و محمد شیخان. جلد اول. چاپ اول. تهران: خانه کتاب.
- صمیمی، مینو. ۱۳۶۸. *پشت پرده تخت طاووس*. ترجمه حسین ابوترابیان. چاپ دوم. تهران: موسسه اطلاعات.
- طلوعی، محمود. ۱۳۷۲. *پدر و پسر ناگفته‌ها از زندگی و روزگار پهلوی‌ها*. چاپ اول. تهران: نشر علم.
- ۱۳۷۳. *از طاووس تا فرح جای پای زن در مسیر تاریخ معاصر ایران*. چاپ اول. تهران: نشر علم.
- علم، اسداله. ۱۳۷۲. *یادداشت‌های علم*. ویرایش از علینقی عالیخانی. جلد اول. چاپ دوم. تهران: کتاب سرا.

- ۱۳۷۷ الف. یادداشت‌های علم، ویرایش از علینقی عالیخانی. جلد دوم چاپ دوم تهران: کتاب سرا.
- ۱۳۷۷ ب. یادداشت‌های علم، ویرایش از علینقی عالیخانی. جلد سوم. چاپ دوم. تهران: کتاب سرا.
- ۱۳۸۶. یادداشت‌های علم، ویرایش از علینقی عالیخانی. جلد ششم. چاپ اول. تهران: کتاب سرا
- غفاری، پروین. ۱۳۷۶. تا سیاهی در دام شاه. چاپ اول. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- فردوست، حسین. ۱۳۷۰. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. جلد اول. چاپ دوم. تهران: موسسه اطلاعات.
- کشانی، علی اصغر. ۱۳۸۶. فرآیند تعامل سینمای ایران و حکومت پهلوی. چاپ اول. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی. ۱۳۸۱. زنان دربار به روایت اسناد ساواک اشرف پهلوی. چاپ اول. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- ۱۳۸۳. زنان دربار به روایت اسناد ساواک لیلی امیر ارجمند. چاپ اول. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- ۱۳۸۷. زنان دربار به روایت اسناد ساواک فرح پهلوی. جلد اول. چاپ اول. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- مریخ، نینوش بی‌تا. علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران از آبان ۲۵۱۸ تا مهر ۲۵۳۵. تهران: مرکز ارتباط جمعی آئین ملی بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی با همکاری روابط عمومی دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانوی ایران.
- مسعود انصاری، احمد علی. ۱۳۸۵. پس از سقوط سرگذشت خاندان پهلوی در دوران آوارگی. تهران: مؤسسه مطالعاتی و پژوهشهای سیاسی تهران.
- معتضد، خسرو. ۱۳۸۸. ۶۱ سال شاه. جلد چهارم. چاپ اول. تهران: نشر ثالث.
- موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. ۱۳۸۹ الف. اسناد لانه جاسوسی آمریکا. کتاب اول. چاپ دوم. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- ۱۳۸۹ ب. اسناد لانه جاسوسی آمریکا. کتاب سوم. چاپ دوم. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- ۱۳۸۹ ج. اسناد لانه جاسوسی آمریکا. کتاب ششم. چاپ دوم. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- ۱۳۸۹ د. اسناد لانه جاسوسی آمریکا. کتاب هشتم. چاپ دوم. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- میلانی، عباس. ۱۳۸۰. معمای هویدا. تهران: اختران.
- نجفی، موسی؛ فقیه حقانی، موسی. ۱۳۹۱. تاریخ تحولات سیاسی ایران بررسی مولفه‌های دین، تجدد و مدنیت در تاسیس - دولت - ملت در گستره هویت ملی ایران. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- نراقی، احسان. ۱۳۸۲. /ز کاخ شاه تا زندان اوین. ترجمه سعید آذری. چاپ پنجم. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

ب: مقاله‌ها

- بختیاری، علی. ۱۳۹۶. «شاپور غریب نگاهی به سینمای شاپور قریب» ماهنامه فرهنگی هنری آنگاه، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، بهار، ش ۲.

- شیخ رضایی، انیسه. ۱۳۷۱. «مدارس فرانسوی در ایران». مجله گنجینه اسناد، پاییز و زمستان، شماره ۷ و ۸.

ج: اسناد: اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.